

## مجموعه‌ها، مراکز تاریخی

## و سیر تحول جنبش حفاظت

### و صیانت از آثار معماری<sup>(۱)</sup>

چکیده:

شهرهای ما، شهرهای تاریخی و با ارزش ما، با تمام ویژگیهای خاص خود بر اثر دگرگونیهای عمیق دستخوش مظاهر تمدن امروزی قرار گرفته‌اند. وسعت و کثرت جمعیت شهرها، که نقش عمده‌ای در دگرگونی ساختار اجتماعی، فرهنگی و کالبدی آنها دارد، هسته‌های تاریخی شهرهای ما را نیز به صورتی متفاوت و در عین حال مشابه با آنچه در سایر کشورها رخ می‌دهد، به مخاطره انداخته است، تجربه‌های جهانی و زمینه‌های نظری آنها سرمایه‌گرانهایی برای درک مسائل ویژه و ارائه راهی برای حل مشکل شهرهای ما به شمار می‌آیند. هدف از استفاده از تجارب و نظریات قابل تعمیم، همچون تلاش اصلی در این بررسی فراهم آوردن زمینه درک ویژگی دوران حاضر و روشن کردن وظایف ما در برابر میراث تاریخی از طرفی، و آشنایی با پایه‌های نظری شیوه‌ها، ابزار و راه‌حلهای اجرایی، از طرف دیگر است که در نتیجه برخورد عملی با موضوع مورد نظر - چه در ایران و چه سایر کشورها - حاصل شده است. طبیعی است درک و شناخت عمیق ارزشهای فرهنگی - هنری شهرهای تاریخی ما، که راه‌حلهای خاص خود را می‌طلبند، قدم نخست در این راه است پیروزی در این راه مستلزم بسیج همه جانبه در کلیه زمینه‌ها اعم از اداری، مالی، تدارکات فنی - کارشناختی، پیش‌بینی سیستم کنترل کیفیتها و بالاخره قانونگذاری دقیق است. علاقه‌مندی و مشارکت وسیع مردم در این راه، سنگ بنای موفقیت خواهد بود. به همین دلیل برای ارتقای دانش عمومی به منظور درک ارزشهای فرهنگی - تاریخی، کارزار وسیع فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه:

یادمانها، محیط تاریخی، مرمت، حفاظت، هسته‌های تاریخی.

«مسئله مراکز تاریخی روزی حل خواهد شد که دیگر از توسعه و تحول خود شهر به مثابه یک کل به صورت مشخص و مجزا صحبتی در میان نباشد.»

بررسی خود را با جمله بالا شروع می‌کنیم که فرازی از سخنرانی افتتاحیه ج. ک. آرگان<sup>(۲)</sup>، منتقد برجسته هنری، استاد دانشگاه و شهردار وقت رم است که تحت عنوان مداخله در

نویسنده: دکتر فتانه نراقی

مراکز تاریخی و مبادله تجربه‌های علمی در همایشی با شرکت گروهی از شهرسازان و نمایندگان یازده شهرداری ایتالیا در پنجم فوریه ۱۹۷۷ در رم ایراد شد.

در این گزارش مختصر، تلاش می‌شود با انتخاب برخی شواهد و اطلاعات مربوط به مقوله موردنظر، در ایران و سایر کشورها، و کنار هم نهادن آنها، بتوان اندیشه و جایگاه میراث تاریخی و صیانت از آن را در گذشته، و به ویژه در دوران خودمان، باز شناخت. راهیابی به حل مسئله در گرو این شناخت است.

جنبش حفاظت و صیانت از میراث و ثروتهای فرهنگی - تاریخی عموماً، و معماری خصوصاً، مراحل مختلفی را از سرگذرانده است و در بسیاری از کشورها، راهی بس طولانی در پیش دارد. در این مسیر، شناخت نیروها و فشارهایی که این میراث را به مخاطره انداخته‌اند و چاره‌جویی برای مقابله با این مخاطرات، و دستیابی به نقش واقعی این ثروتها در زندگی شهری اهمیت دارد.

برخورد با موضوع حفاظت و صیانت از میراث تاریخی تابع تحولاتی بوده که در دوران مختلف پیش آمده و

### ارزشهای معماری باید حفاظت شوند، چه آن‌گاه که صحبت از بناهای منفرد به میان است و چه آن‌گاه که هسته‌های کامل شهری مورد نظرند

هر بار سیستم دفاعی مشخصی برای مقابله با نقش ویرانگر آنها گزیده شده است.

مراحل یاد شده را می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی کرد:

الف) قرن نوزدهم و پیامدهای انقلاب صنعتی.

ب) جنبش معماری مدرن.

پ) بازسازی ویرانیهای جنگ جهانی دوم در اروپا.

ت) رشد و توسعه شهرها و موضوع تمامیت شهر در بیست سال اخیر.

جنبش حفاظت از میراث فرهنگی - تاریخی، به ویژه آثار معماری، کار خود را با مرمت «مونومان»

(یادمان‌ها) آغاز کرد.

### مرحله اول

این مرحله با ویرانیهای ناشی از انقلاب کبیر فرانسه، پیامدهای انقلاب صنعتی در بریتانیا، کشمکشهای منجر به وحدت ایتالیا و آغاز دوران رشد در این کشور، و سرانجام رویارویی سایر کشورها با عصر جدید آغاز شد. در این بخش از بررسی خود، بیشتر به رویدادهایی که موجب تباهی میراث یاد شده و همچنین به قوانین و ضوابطی که برای مقابله با این تباهی وضع شدند، توجه می‌کنیم.

چنان که گفتیم، این مرحله در فرانسه به دنبال تحولات دوره انقلاب صنعتی آغاز شد. کلیساها و بناهای مذهبی بسیار آسیب دیدند. در سال ۱۸۳۷، کمیسیونی به نام «کمیسیون ملی یادمانهای تاریخی» برای حمایت از آن آثار تأسیس شد.

رویداد برجسته بعدی در فرانسه، نتایج طرحهای «هوسمان» در پاریس بود که سرفصل تازه‌ای را گشود. مداخله در بافت قدیمی و ضایعات ناشی از آن در مقیاسی گسترده، مهمترین پیامد این رویداد بود (چگونگی این مداخله‌ها و نتایج آن در فصل دیگری از کتابی که مقاله حاضر از آن برداشت شده، آمده است).

در بریتانیا نیز پس از انقلاب صنعتی، به ویژه در لندن، به دنبال مداخله‌های متعدد، واکنشهایی در افکار عمومی برای جلوگیری از ویرانیهای ناشی از رشد و دگرگونی شهرها و بی‌توجهی به آثار هنری بروز کرد.

جان راسکین<sup>(۳)</sup> توجه ویژه‌ای به موضوع «هنر و جایگاه آن» معطوف کرد و به دنبال او ویلیام موریس<sup>(۴)</sup> و سایر هنرمندان و صاحب‌نظران به تشکیل جمعیت حفاظت و حمایت بناهای تاریخی دست زدند. پس از آن، انجمن «باغشهر» (۱۸۹۹) که بعدها به انجمن «برنامه‌ریزی شهر و دوستانه تغییر نام داد، برای حفاظت از فضاهای باز و پارکها تشکیل شد و سپس، با ادغام دو انجمن یاد شده بالا، نهاد «امانت ملی»<sup>(۵)</sup> شکل گرفت که تا امروز پیگیرترین و مؤثرترین نقش را در حفاظت از آثار تاریخی بریتانیا ایفا کرده است.<sup>(۶)</sup>

رشد سریع و نیازمندیهای ایتالیا پس از اتحاد سراسری و استقلال در سال ۱۸۷۰، به مداخله‌ها و ساخت و سازهای گسترده در بافت شهرهای قدیمی انجامید. طبعاً، آن شهرها که توان تطبیق با عملکردهای جدید را نداشتند، خسارت‌های بی‌شماری دیدند. واکنش در برابر این پیامدها برای جلوگیری از ویرانی آثار تاریخی، به وضع قوانین منجر شد. قانون مصوب ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۲ مربوط به حفاظت یادمانها و اشیای عتیقه و هنری از آن جمله است. این برخورد، یعنی توجه به آثار تاریخی منفرد در ایتالیا، تا آغاز جنگ جهانی دوم نیز تحول چشمگیری نیافت. در قانون شماره ۱۰۸۹ مصوب سال ۱۹۳۹، نیز علاوه بر صیانت از اشیای با ارزش تاریخی، بر حفظ ویلاها، پارکها و باغها که قبلاً به آنها توجهی نشده بود، تأکید شده است. سپس با تصویب قانون مکمل آن، به شماره ۱۴۹۷ مصوب ژوئن ۱۹۳۹، موضوع حفاظت از زیباییهای طبیعی و چشم‌اندازها نیز اضافه شد. اندیشه حفاظت و صیانت آثار تاریخی در کشورهای آسیایی و شمال آفریقا با کاوشهای باستان‌شناسی - که عمده‌تاً اروپاییان آغازگر آن بودند - در قرن گذشته جامعه عمل پوشید. در این مناطق، در این مرحله، موضوع

### زمانی که اولیای امور تحت فشار اقتصادی و نیازمندیهای عبور و مرور قرار دارند، اقدامات شهرسازی شکلی ویرانگر به خود می‌گیرد.

حفاظت از این ثروتها با آنچه در اروپا مطرح بود، ماهیتاً تفاوت داشت. کاوشگران با نیت معین و به قصد بهره‌برداری از اکتشافها به سود خود - خروج اشیاء و اجزای آثار معماری برای کلکسیونها و موزه‌های اروپا - گاه نشانه کافی، حتی به عنوان شواهد تاریخی، نیز از آثار کشف شده باقی نمی‌گذارند (اکتشافها به طور عمده در آثار باستانی در خارج از شهرها صورت می‌گرفت). در ایران نیز کاوشهای باستان‌شناسی به همین صورت آغاز شد، اما از سوی دیگر به پیامدهایی چون توجه به موضوع میراث فرهنگی - تاریخی و سرانجام وضع قوانین برای صیانت از آنها منجر شد.

نخستین قانون حفظ آثار ملی در ایران، در آبان ۱۳۰۹ ش / ۱۹۳۰ م به تصویب رسید. در ماده ۱ این قانون آمده است:

«کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکن [را] که تا اختتام سلسله زندیه در مملکت ایران احداث شده، اعم از منقول و غیرمنقول، با رعایت ماده ۳ این قانون، می‌توان جزء آثار ملی ایران محسوب داشت و در تحت حفاظت و نظارت دولت می‌باشد.»<sup>(۷)</sup>

ویژگی این مرحله به طور عمده توجه به حفظ تک بناهای تاریخی است که در ایران نیز مصداق دارد و تا تاریخ ۱۳۵۲ ش / ۱۹۷۳ م. ادامه داشته است.

### مرحله دوم

مرحله دوم، با جنبش معماری مدرن، به ویژه در اروپا آغاز شد که بینش تاریخی آن در منشور آتن (۱۳۲۲ ش / ۱۹۳۳ م) منعکس است و با صدور قطعنامه چهارمین کنگره بین‌المللی معماری مدرن، نقطه عطفی در مفهوم آثار تاریخی و حفظ و حراست از آنها به وجود آمد. در ماده ۶۵ از بخش یکم قطعنامه مربوط به میراث تاریخی شهرها آمده است:

«ارزشهای معماری باید حفاظت شوند، چه آن‌گاه که صحبت از بناهای منفرد به میان است و چه آن‌گاه که هسته‌های کامل شهری مورد نظرند»<sup>(۸)</sup>.

بازتاب تفکر بالا را در ضوابط و قوانین کشورهای مختلف این دوره می‌یابیم.

با آنکه مواد نود و پنجگانه منشور آتن زمانی تدوین شد که هنوز رشته‌های فرعی علم معماری و شهرسازی چندان قوام نگرفته و گسترش نیافته بودند و توجه همه جانبه و همگانی به ضابطه‌های روانی و ارزشهای معنوی و انسانی میسر نبود، از نخستین سر فصلهای آن، تأکید بر پیوندهای ناگسستنی بین مجموعه‌ای از شرایط کالبدی - ساختمانی، بهداشتی، مقیاس و تناسبهای فضایی - شرایط روانی و ویژگیهای تاریخی - جغرافیایی یا کیفیت فضاهای زیستی شهر هویدا است.

کار مرمت محدود به عملیات حفاظتی، به خاطر ویژگیهای شکلی تک  
آثار معماری یا تک محیطها نیست؛ بلکه، به حفاظت ویژگیهای کل ساز  
و کار شهری و تمام عناصری تسری می‌یابد

با این حال، در عصر توسعه سریع شهرهای صنعتی و مداخله‌های شتابان و نامعقول، نه تنها محیط‌های تاریخی آسیب دیدند، بلکه مضامین تاریخی - هنری بسیاری از یادمان‌ها نیز به طور مستقیم و یا بر اثر تغییر ویژگی محیط اطرافشان تغییر کرد. این ایده که قبلاً نضج گرفته بود، به صورت «پاکسازی» اطراف بناهای تاریخی، یا «برجسته کردن آنها» بارها جامه عمل پوشید. بنای کلیسای تتردام در پاریس، کلیسای جامع میلان، مجموعه قدیمیه در نزدیکی بغداد، و مسجد جامع دهلی، از جمله نمونه‌های آن به شمار می‌آیند.

### مرحله سوم

مرحله سوم، مرحله‌ای است که اندیشه محیط تاریخی جای خود را در فرهنگ معماری - شهرسازی به صورت تازه‌ای می‌گشاید. در ماده ۱ منشور و نیز آمده است:

«اندیشه یادمانهای تاریخی همان قدر محیط شهری یا مناظر طبیعی را در بر دارد که آفرینش معماری را، و این امر گواه یک تمدن ویژه، یک تحول پرمعنی یا یک رویداد تاریخی است. این اندیشه نه تنها برای آثار بزرگ، بلکه برای آثار فروتری که در طول زمان معنی فرهنگی کسب کرده‌اند، نیز مطرح است»<sup>(۹)</sup>

مداخله‌هایی که در این دوره، در شهرها و مراکز تاریخی اروپا صورت گرفت، با الهام از مفهوم یاد شده در بالا بود.

گفتنی است که اقدامات وسیع بازسازی ویرانیهای ناشی از جنگ جهانی دوم در اروپا، و به ویژه مرمت بناها و مجموعه‌های شهری آسیب دیده، از تجربه‌های بزرگ این دوره به شمار می‌رود. بازسازی و مرمت ویرانیهای جنگ در شهر تاریخی فلورانس و بازسازی مراکز تاریخی شهر ورشو، از تصمیمهای بارز و جنجالی این دوره به شمار می‌آید.

جنبش حفاظت و حراست میراث تاریخی و بهسازی شهرها به سرعت تکوین یافت. در فرانسه، با تصویب قانون جدید (اوت ۱۹۶۲) که به قانون مالرو<sup>(۱۰)</sup> وزیر فرهنگ وقت فرانسه معروف است، برنامه‌های حراست آثار تاریخی از مرز حفاظت آثار و مجموعه‌ها فراتر رفت و تجدید حیات عملکردی در کل هسته تاریخی را دربرگرفت. طرح بهسازی محله ماره<sup>(۱۱)</sup> از آن جمله است.

منشور مرمت ۱۹۷۲ ایتالیا که همراه با دستورالعملها در نشریه هنری شماره دوم وزارت آموزش و فرهنگ همگانی آن کشور منتشر شد، سند دیگری است حاکی از برداشتن قدمهای تازه‌تر در این زمینه. از نکات مهم این منشور، که از شایستگیهای بزرگ این سند به حساب می‌آید، دگرگون کردن شیوه برخورد با موضوع مورد بحث است. برای نخستین بار در قانونگذاری ایتالیا، تعریف «مراکز تاریخی» در این مقوله داخل می‌شود:

«به منظور تمیز دادن مراکز تاریخی باید در نظر داشت که علاوه بر مراکز شهری قدیمی به مفهوم سنتی، کلیه سکونتگاههای انسانی که دارای ساختار واحد و یا قطعه قطعه باشند و یا آنها که در طول زمان بخشهایشان تغییر یافته است، کلاً در این مقوله می‌گنجد. آن دسته از سکونتگاهها که ساختارشان در گذشته یا در گذر زمان شکل گرفته باشد و یا آن دسته‌ای که احتمالاً از نظر گواه تاریخی و یا کیفیت شهرسازانه و معمارانه دارای ارزش خاص اند مشمول این تعریف می‌شوند.»

سند بالا در جای دیگر به ویژگیهای تاریخی اشیای فرهنگی و آن دسته از سکونتگاهها اشاره می‌کند که مستقل از ارزشهای ذاتی - هنری یا شکلی، یا چهره محیطی خاصشان، گواه تمدن گذشته خود باشند.

«هدف مداخله‌هایی که به منظور مرمت مراکز تاریخی صورت می‌گیرد، تضمین بقای آن ارزشهایی است که در طول زمان ویژگیهای این مجموعه‌ها را تشکیل داده است (برای این مداخله‌ها از ابزار معمولی یا استثنایی استفاده می‌شود). کار مرمت محدود به عملیات حفاظتی، به خاطر ویژگیهای شکلی تک آثار معماری یا تک

مرمت‌های زیان‌آور نیز ویرانگرند. در پایان و بیش از همه، سودجوییهای معطوف به اراضی و املاک از یکپارچگی ملی‌کاهد و بهترین برنامه‌ها را بسترون می‌کند.

محیطها نیست؛ بلکه، به حفاظت ویژگیهای گل‌ساز و کار شهری و تمام عناصری تسری می‌یابد که در تعریف این ویژگیها داخل می‌شوند.

چنان که ملاحظه می‌شود، موضوع از کیفیات محض بصری خارج شده است، یعنی بین این قانون با قانون ۱۹۳۹ ایتالیا، که در رده‌بندی کیفیتهای تاریخی به مجموعه‌های غیرمنقول واجد ارزشهای زیباشناختی و سنتی اشاره می‌کرد، تفاوت جدی برقرار است. به عبارتی، این قانون به مسائل جامع‌تر و دقیق‌تری می‌پردازد که به تفصیل در اسناد منشور<sup>(۱۲)</sup> آمده است.

این منشور تغییرات مربوط به کارکردها و ابزار شهرسازی، به ویژه آن دسته را که با حفاظت هسته‌های تاریخی ارتباط دارد، مطرح، و تعریفهای مشخصی از طرحهای جامع، تفصیلی و اجرایی ارائه می‌کند. اقدامات سازمان جهانی یونسکو، ابعاد تازه‌ای به موضوع حفاظت از میراث تاریخی داد. به ابتکار این سازمان، با اعلام این موضوع که «میراث فرهنگی تجلی جایگزین ناپذیر و گواه بر جای مانده انسان و محیط زیست او و ارثیه مشترک تمام اقوام به شمار می‌آید»، نهادهای حفاظتی برای حفظ آثار تاریخی و همکاری و همبستگی مؤثر همه ملل در مقیاس جهانی تاسیس شد.

— شورای بین‌المللی صیانت و مرمت گنجینه‌های فرهنگی - ایکروم<sup>(۱۳)</sup> - تأسیس ۱۹۵۹ م / ۱۳۳۸ ش؛

— شورای بین‌المللی موزه‌ها - ایکوم<sup>(۱۴)</sup> - تأسیس ۱۹۷۴ م / ۱۳۵۳ ش؛

— شورای بین‌المللی ابنیه و اماکن - ایکوموس<sup>(۱۵)</sup> - تأسیس ۱۹۷۵ م / ۱۳۵۴ ش؛  
سازمانهای یاد شده که بیشتر کشورهای جهان، از جمله ایران، در آنها عضویت دارند، در تدوین و هماهنگ‌سازی زمینه‌های تجربی و نظری موضوع مورد بحث ما نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.<sup>(۱۶)</sup>

از رویدادهای بین‌المللی مهم دیگر مربوط به یونسکو، تشکیل گردهماییها، از جمله گردهمایی نوامبر ۱۹۷۲ م / ۱۳۵۱ ش، در پاریس است. به دنبال اخذ تصمیم در این گردهمایی، برای نخستین بار میراث فرهنگی، جهانی خوانده و در حمایت از آنها وظایف جمعی تعیین شد:

«با توجه به اینکه کنوانسیونها، توصیه‌نامه‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی موجود درباره میراث فرهنگی و طبیعی نشانه اهمیت است که حفظ این اموال منحصر به فرد و جایگزین ناپذیر، متعلق به هر ملتی که باشد، برای کلیه ملل جهان در بر دارد، با توجه به اینکه قسمتی از میراث فرهنگی و طبیعی دارای مزایای استثنایی اند که باید به عنوان میراث جهانی بشریت حفظ شوند، با توجه به این که در مقابل دامنه وسیع و وخامت خطرهای جدیدی که این اموال را تهدید می‌کند، لازم است جامعه بین‌المللی - علاوه بر اقداماتی که به عهده دولت مربوط است کمک مؤثری برای آن به شمار می‌رود - با بذل کمک جمعی در امر حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی واجد ارزش جهانی استثنایی شرکت جوید، با توجه به این امر، برای نیل به این مقصود ضرورت دارد، مقررات جدیدی به صورت کنوانسیون وضع شود تا اتخاذ روشی مؤثر برای حمایت جمعی از میراث فرهنگی و طبیعی با ارزش جهانی استثنایی به نحو دائم و بر طبق روش‌های علمی و جدید را تضمین کند.»

کنفرانس عمومی در این جلسه (شانزدهمین اجلاسیه خود) تصمیم گرفت که همین امر، موضوع یک کنوانسیون بین‌المللی قرار گیرد. در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ / ۱۳۵۱ کنوانسیون حاضر به تصویب رسید.<sup>(۱۷)</sup>  
یکی از نکات عمده این کنوانسیون، توجه به همه جانبه بودن جنبه‌های حفاظت و تأکید بر ضرورت در نظر گرفتن سهم آن در برنامه‌ریزیهای شهری و منطقه‌ای است.

«ماده ۶ - این میراث در معرض خطر است.

این میراث به سبب نادانی و فرسودگی ناشی از متروک ماندن، تهدید می‌شود. زمانی که اولیای امور تحت

حراست از شهرها و محله‌های تاریخی باید به طور مؤثر، بخش جدایی ناپذیر سیاست مناسب رشد اقتصادی و اجتماعی باشد و در برنامه‌های کشوری و شهرسازی در تمام سطوح، مدنظر قرار گیرد.

فشار اقتصادی و نیازمندیهای عبور و مرور قرار دارند، اقدامات شهرسازی شکلی ویرانگر به خود می‌گیرد. تکنولوژی معاصر زمانی که نامتناسب و نامطلوب به کار رود به ساختارهای قدیمی لطمه می‌زند. مرمت‌های زیان‌آور نیز ویرانگرند. در پایان و بیش از همه، سودجوییهای معطوف به اراضی و املاک از یکپارچگی می‌کاهد و بهترین برنامه‌ها را سترون می‌کند.»

«ماده ۷ - حفاظت کامل و همه جانبه این خطرها را از بین می‌برد.

حفاظت همه جانبه برآیند کار برد تکنیکهای مرمت و بررسی عملکردهای مناسب است. تحول تدریجی، مراکز فرسوده شهرها و روستاهای متروک، کیفیت آنها را در رهگذر تأمین مسکن ارزاقیمت، تنزل داده است. مرمت آنها باید با روح عدالت اجتماعی توأم باشد نه این که به گریز کلیه ساکنین کم درآمد انجامد.»  
در حفاظت همه جانبه، همجواری معماری مدرن با معماری قدیمی ابداً نفی نمی‌شود، بلکه با در نظر گرفتن مفهوم محیطی، حفظ و ایجاد مناسبت‌های کمی و کیفی در زندگی جدید مجموعه‌ها توصیه می‌شود.

### مرحله چهارم

در مرحله چهارم، اقدامات وسیع شهرسازی رخ داده که در جواب به دگرگونیهای شهرها طی دهه ۶۰ و ۷۰ و نیمه اول دهه ۸۰ میلادی در اروپا، آمریکا و کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین - با تمام تفاوتها - همراه با رشد جمعیت شهرها صورت گرفته است. در اقدامات یاد شده، بی توجهی به ارزشهای تاریخی به ناهماهنگیهای بسیاری بین ساخت و ساز جدید و آنچه در شهرهای تاریخی موجود بود، منجر شده است. این بی توجهی، به ویژه به آن دسته از شهرها و مجموعه‌های تاریخی که قدمت زیادی نداشتند، ولی دارای ارزشهای محیطی و خاطرات تاریخی بودند، با ویرانگریهای نابجا و یا ترک هسته‌های مرکزی آنها، به طرز جبران ناپذیری آسیب رساند. مقیاس این نوع ویرانی عظیم است و اکثر شهرهای تاریخی جهان، از جمله ایران را دربر می‌گیرد. تهران و شیراز نمونه‌های این نوع ویرانی محسوب می‌شوند.

شورای بین‌المللی انبیه و اماکن - ایکوموس - در سال ۱۹۸۷ م / ۱۳۶۶ ش، با نگرانی از روندی که شهرهای تاریخی را به ویرانی تهدید می‌کرد، گردهمایی «واشنگتن» را ترتیب داد و منشوری بین‌المللی - با مضمونی تازه - در زمینه حراست از شهرهای تاریخی صادر کرد:

«کلیه شهرهای جهان، چه آنها که حاصل رشد کمابیش خودبه خودی بوده‌اند، و چه آنها که حاصل طرح‌ریزی به شمار می‌آیند، تجلی مادی جوامع گوناگون در طول تاریخ، و به همین سبب همگی تاریخی‌اند.»  
با تعریف بالا از شهر تاریخی، مضمون جدیدی در عرصه حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی تاریخی شهرها مطرح شد؛ هر چند این مضمون ادامه مضامین قبلی و مکمل آنها بود، عرصه‌های نیازمند حفاظت شهر از نظر کمی و کیفی و وسعت خاصی یافتند.

در این منشور شهرهای بزرگ یا کوچک و مراکز یا محله‌های تاریخی، همراه با محیطهای طبیعی یا مصنوعی آنها، علاوه بر آنکه سندی تاریخی تلقی می‌شوند، در عین حال بیانگر ارزشهای ویژه تمدن بشر نیز قلمداد شده‌اند. در سطرهای پایین‌تر همین منشور اشاره شده است که این شهرها را از طرفی فرسودگی و از طرف دیگر ساخت و ساز جدید، یا بهتر بگوییم، تخریب ناشی از سوء استفاده از شیوه‌های شهرسازی عصر صنعتی تهدید می‌کند. در بیانیه واشنگتن، علاوه بر اصول و اهداف، روشها، و ابزار کار صیانت، کیفیت شهرهای تاریخی نیز تعریف می‌شود. این تعریفها در ایجاد هماهنگی بین زندگی انفرادی و اجتماعی و بقای جمیع ارزشها، حتی ناچیزترین آنها که خاطرات بشری را منعکس می‌کنند، مؤثرند.

در منشور در بخش «اصول و اهداف» آمده است:

اندیشه یادمانهای تاریخی همان قدر محیط شهری یا مناظر طبیعی را در بر دارد که آفرینش معماری را، و این امر گواه یک تمدن ویژه، یک تحول پرمعنی یا یک رویداد تاریخی است.

۱۱ - حراست از شهرها و محله‌های تاریخی باید به طور مؤثر، بخش جدایی ناپذیر سیاست مناسب رشد اقتصادی و اجتماعی باشد و در برنامه‌های کشوری و شهرسازی در تمام سطوح، مدنظر قرار گیرد.»

### جمع‌بندی

بیشتر شهرهای امروز، حول و حوش هسته‌های با ارزش تاریخی گسترش یافته‌اند و به دلایل مختلف، بخش توسعه‌های جدید آنها کیفیتی نازل دارد و با بخشهای تاریخی هماهنگ نیست. بقای شهر قدیم در محاصره ساخت و سازهای بی‌قواره، آن هم در مقیاسی ناهمساز با آن، ناممکن شده است. در اینجا با دو موضوع متفاوت مواجه‌ایم: از جانبی شهر تاریخی و یادمانهایش، و از جانب دیگر زندگی امروز و نیازمندیهایش، مسکن برای جمعیتی روزافزون، صنایع، تاسیسات خدماتی و عبور و مرور و وسایل نقلیه موتوری و غیره.

جنبش جهانی حفاظت میراث تاریخی، در دوره‌های اولیه خود در عرصه مرمت تک بناها، پاسداری از ارزشهای محیط شهری، مجموعه‌های تاریخی و مناظر طبیعی و سرانجام کل شهر تاریخی تجربه‌های بی‌شماری اندوخته است؛ با این حال، در مورد نگهداری ارزشهای تاریخی، به ویژه در چارچوب زندگی جدید شهری، موضوعهای حل نشده هنوز بی‌شمارند و روزانه بر تعداد آنها افزوده می‌شود. این پدیده در کشورهای در حال رشد، به سبب گسست فرهنگی - تاریخی از یک سو، و سرعت تغییرات امروز از سوی دیگر، ابعاد فاجعه‌باری یافته است.

برنامه‌ها و ابزاری که تا امروز برای حل این مشکلات به کار گرفته شده‌اند، با کمیت و کیفیت ارزشهایی که در خطر نابودی‌اند تناسب ندارند و کافی به نظر نمی‌رسند.

در ارتقای کیفیت شهرهای تاریخی امروز، ضرورت ترکیب نیازمندیهای شهری در یک توسعه ارگانیک در درون کالبد قدیم و جدید شهر مطرح است. بازشناسی ارزشهای میراث تاریخی باید نقطه حرکتی برای شهرهای امروز باشد، به طوری که بتوان به هسته‌های تاریخی و بخش جدید شهر از طریق روشی واحد و یکپارچه کیفیتی نو بخشید. چنین وظیفه‌ای تعهدی جمعی و متفاوت و وسیع‌تر از گذشته را مطرح می‌سازد. آنچه باید مورد توجه خاص قرار گیرد، آن است که اولویت با سرنوشت امروز و آینده شهرهاست. واقعیت امروز با سرعت هرچه تمامتر به کلیه جوانب زندگی شکل می‌دهد. در این حرکت است که گذشته نیز باید به حال تبدیل شود و ظرفیت آینده شدن را نیز پیدا کند. مداخله در مجموعه‌های قدیمی تنها باید با درنظر داشتن چنین مضمونی صورت گیرد.

در کشور ما نیز سرعت تحولات اجتماعی، به ویژه تحولات پس از انقلاب که به مداخله‌های کمی و کیفی در شهرها و سکونتگاهها کشیده شده و به ساخت و ساز بی‌سابقه‌ای انجامیده است، بیش از همیشه میراث فرهنگی را تهدید کرده و می‌کند. سازماندهی برای برخوردی همه‌جانبه با این پدیده در دستور روز قرار گرفته است و تشکیل یک نهاد مسئول بخشی از آن سازماندهی به شمار می‌رود.

سازمان میراث فرهنگی کشور با ادغام ۱۱ سازمان قبلی و مشارکت هشت عضو از نهادهای دیگر، کار خود را در سال ۱۳۶۴ آغاز کرد. ساختار اداری این سازمان در قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور به تاریخ ۶۷/۴/۲۸ چنین عنوان شده است:

ماده ۵ - شورای سازمان:

به منظور هماهنگی بیشتر در امور مربوط به میراث فرهنگی در سطح کشور، شورای سازمان از ۸ عضو به شرح زیر تشکیل شد:

۱. وزیر فرهنگ و آموزش عالی (رئیس شورا)

۲. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

۳. وزیر کشور

۴. وزیر دادگستری

۵. وزیر امور خارجه

۶. وزیر مسکن و شهرسازی

۷. مدیر عامل سازمان صدا و سیما

۸. رئیس سازمان (دبیر شورا).

به این ترتیب، سازمان میراث فرهنگی و ظایف و مسئولیتهای اجرایی تازه‌ای بر عهده گرفت. در ماده واحده - ج - «بررسی، شناسایی، ثبت و حفاظت آثار ارزشمند منقول و غیرمنقول فرهنگی - تاریخی کشور» و در بخش دیگر، «تهیه و اجرای طرحهای لازم برای تعمیر و احیای آثار، بناها و مجموعه‌های با ارزش فرهنگی - تاریخی» و بالاخره در ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان، «بررسی و شناسایی محوطه‌ها، تپه‌ها، بناها و مجموعه‌های تاریخی و تهیه فهرست جامعی از آنها و نقشه باستان‌شناسی کشور»، جزء وظایف آن سازمان اعلام شده است. قابل توجه است که در موضوع حفاظت از میراث معماری، برای نخستین بار به مجموعه‌های تاریخی توجه می‌شود.

با آنکه امروز بسیاری از کشورهای جهان مراحل اولیه حفاظت از میراث فرهنگی - تاریخی را پشت سر گذارده‌اند و حل این موضوع را در حل مسائل شهری، منطقه‌ای و کشوری جست و جو می‌کنند، جایگاه تاریخی ما در امر حفاظت - به صورت مدون - از مرحله دوم فراتر نرفته و در عمل از فرصت‌ها و تجربه‌های جهانی به حد کافی استفاده نکرده‌ایم. ■

### پی‌نوشت‌ها:

۱- مقاله حاضر فصلی از کتاب «مراکز تاریخی و توسعه شهری امروزی» به تألیف خانم دکتر نراقی است که در آینده نزدیک توسط سازمان عمران و بهسازی شهری منتشر خواهد شد.

2- G.C. Argan

3- John Ruskin

4- William Morris

5- National Trust

۶- برای اطلاع بیشتر از ساختار اداری، مالی و به ویژه برنامه‌ها و چگونگی انجام اقدامات حمایتی و حفاظتی از سرمایه‌های مادی ملی بریتانیا، (رک: Urbanistica , no 31 , July 1960)

۷- صمدی زندی، یونس، ۱۳۶۶، مجموعه قوانین، مقررات، آئین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاملات میراث فرهنگی کشور.

۸- لوکوربوزیه، منشور آتن. (چهارمین کنگره معماری مدرن، آتن، ۱۹۲۰ م) معرفی و برگردان، دکتر محمدمنصور فلامکی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.

۹- منشور ونیز (کنگره بین‌المللی معماران و مرمتگران یادمانها) مه ۱۹۴۶، ونیز

10- Andre' Malreaux

11- Marais

12- F. Gurrieri, Restouro e conservazione

13- Icom

14- Icom

15- Icomos

۱۶- برای اطلاع بیشتر از اهداف و وظایف و ساختار اداری این نهاد (رک: صمدی زندی، یونس، ۱۳۶۶، مجموعه قوانین، مقررات، آئین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور، فصل پنجم).

۱۷- همان، ص ۸۴